



►	▼	—	مرتب سازی بر اساس	🔍	جستجو در متنی
----------------	----------------	----------------	-------------------	----------------	---------------



36 ـ مسئله 9 (ما المراد من الاستطاعة) ـ 11/09/85

بحث در شرط سؤم از شرایط وجوب حج در استطاعت بود که مرحوم امام مسائلی در مورد آن بیان کرده اند:

مسألة 9: لا تكفي القدرة العقلية في وجوبه، بل يشترط فيه الاستطاعة الشرعية، و هي الزاد و الرحلة و سائر ما يعتبر فيها، و مع فقدھا لا يجب (صحيح است ولی واجب نیست) و لا يكفي عن حجة الاسلام من غير فرق بين القادر عليه بالمشي مع الاكتساب بين الطريق (زاد و توشه ندارد و در بین راه کار می کند و از درآمد آن زاد و توشه تهیه می کند) و غيره كان ذلك مخالفاً لذنيه و شرفه أم لا (خواه این پیاده روی و اكتساب در طریق مخالف شأنش باشد یا نباشد، ولی بعضی فرق گذاشته اند که اگر مخالف شأن او باشد کافی نیست اما اگر موافق شأنش باشد اشکالی ندارد) و من غير فرق بين القريب و البعيد (حتی کسی که نزدیک مگه یا داخل مگه است باید سواره باشد و به صورت پیاده حجة الاسلام صحیح نیست و به عبارت دیگر راحله در حجة الاسلام موضوعیت دارد).

عنوان مسئله:

مرحوم امام می فرماید: در وجوب حج قدرت عقلی کافی نیست بلکه استطاعت شرعی شرط است به گونه ای که اگر زاد و راحله و سایر چیزهایی که در آن معتبر است، نباشد حجّ واجب نیست و اگر انجام دهد کفایت از حجة الاسلام می کند. در اینجا دو بحث داریم: یک بحث در مورد کسی که نزدیک مگه یا داخل آن است که بعداً بحث می کنیم و دیگری در مورد شخصی که دور از مگه است، آیا زاد و راحله با هم لازم است تا حجة الاسلام واجب شود و به عبارت دیگر آیا استطاعت شرعی معتبر است؟

مرحوم صاحب جواهر به گونه ای بحث را مطرح می کند که گویا مسئله اجماعی است و استطاعت شرعی معتبر است و زاد و راحله موضوعیت دارد اگر چه قادر بر مشی و اكتساب باشد.

عبارت مرحوم صاحب جواهر چنین است:

القطع بكون الرحلة من المراد بالاستطاعة (راحله شرط در استطاعت است) فيتوقف الوجوب على حصولها (اگر راحله نباشد مستطیع نیست) و إن لم يكن بدونها بمشي و نحوه للإجماع المحكي عن الناصريّات (سيّد مرتضی) و الغنية (ابن زهره) و التذكرة و المنتهى (علامة) ... فقد وسوس سيد المدارك و تبعه صاحب الحدائق في الحكم بالنسبة إلى الرحلة فضلا عن الزاد (مخالف را در حدّ یک وسوسه می داند). (1)

مرحوم صاحب عروه هم مسئله را متعرّض شده و می فرماید:

في المسألة و جهان؛ و ايشان اعتبار استطاعت شرعيّ را تقويت می کند. محشّن عروه هم غالباً با استطاعت شرعی موافقتد ولی بعضی مخالفند.

از کلام مرحوم نراقی استفاده می شود که مسئله كاملاً اختلافی است و می فرماید:

هل اشتراط الرحلة مختصّ بصورة الاحتياج إليها لعدم القدرة على المشي أو للمشقة مطلقاً... أو يعم جميع الصور و إن ساوى عنده المشي و الركوب سهولة و صعوبة و شرفاً و ذرة (استطاعت شرعيّه)؟ ظاهر المنتهى الأوّل (که صاحب جواهر فرمود اجماع بر استطاعت شرعی است) حيث اشترط الرحلة للمحتاج إليها و هو ظاهر الذخيرة (سبزواری) و المدارك و صريح المفاتيح (فيض) و شرحه و نسبة في الأخير إلى الشهيدین (مرحوم شهيد اوّل در دروس و شهيد ثاني در مسالك) بل التذكرة (صاحب جواهر ادّعا کرد که علامه مدّعی اجماع بر استطاعت شرعی است) بل يمكن استفادته من كلام جماعة ... و صرح بعض المتأخرين بالثاني (در حالی که صاحب جواهر استطاعت شرعی را اجماعی دانست) بل نسب إلى الأکثر بل نسب غيره (استطاعت شرعی) إلى الشذوذ. (2)

جمع بندی: در مسئله دو قول داریم که بر هر دو طرف آن ادّعی اجماع شده است و حقیقت این است که قائلین به استطاعت شرعی و استطاعت عرفی هر دو متعدّد است.

عامّه غالباً قائل به استطاعت شرعی هستند ولی بعضی هم مخالفند.

مرحوم صاحب جواهر ادّعی اجماع کرده و عروه هم تحت تأثیر جواهر است و تحریر هم در حاشیه عروه حرکت کرده و بسیاری از بزرگان استطاعت شرعی را قائل شده اند، در حالی که مسئله اجماعی نیست و ما از این ادّعی اجماع واهمه ای نداریم.

ادله قائلین به استطاعت شرعی:

ـ ظاهر اجماعات منقوله 1:

اجماعات منقوله می گوید که زاد و راحله از شرایط است. اجماعات در واقع اطلاق کلمات علما است.

ـ ظاهر اخبار:

روایاتی داشتم که زاد و راحله را شرط می دانست که اطلاق دارد و قادر بر مشی و عاجز از مشی را شامل است.

قلنا؛ وقتی گفته می شود که زاد و راحله را تهیّه کن از آن فهمیده می شود که اگر نیاز به راحله ندارد نیاز به تهیّه راحله نیست. وقتی اطلاقات به دست ما داده شود از آن می فهمیم که تهیه زاد و راحله برای کسی است که نیاز دارد و کسی که احتیاجی ندارد از اطلاق معاهد اجماعات و اطلاقات روایات خارج است.

ما در ناحیه زاد هم چنین می گویم یعنی تهیّه زاد برای کسی لازم است که به آن نیاز دارد.

در میان اصحاب پیامبر هم بودند کسانی که پیاده حج می رفتند، در حالی که حجّ آنها حجة الاسلام و صحیح بود. قرآن هم می فرماید:

و اذّن في الناس بالهـج يأتوك رجالا..

به نظر ما این ابزار خاص (زاد و راحله) موضوعیت ندارد و این تعیّد خشک ی معناست و در جایی در باب عبادات نداریم که ابزار موضوعیت داشته باشد و روایات و اجماعات فرد غالب را بیان می کند و سیاتی ادّعی اجماع شده که مکی راحله نمی خواهد و معلوم می شود که راحله برای کسی است که نیاز دارد و مکی چون نیاز ندارد، راحله برای او لازم نیست.

تا اینجا روشن شد که دلیل عمده قائلین به اعتبار استطاعت شرعی، اطلاق روایات و اطلاق معاهد اجماعات است، در حالی که اطلاق روایات و معاهد اجماع حمل بر غالب (فردی که به آن نیاز دارد) می شود.

🔍	جستجو در درختواره	►
----------------	-------------------	----------------

خارج فقه
خارج اصول
اخلاق
تفسیر
عقاید

پی نوشت:

مطالب مرتبط

128ـ م 46(توقّف تخلية السرب على قتال العدو) ـ 16/03/86

127 ـ ادامه مسأله 45 ـ 13/03/86

126 ـ ادامه مسأله 45 ـ 12/03/86

125 م 45 (ترك الحج مع وجود الشرايط و اتيانه مع فقد بعضها) ـ 08/03/86

124 ـ ادامه مسأله 44 ـ 07/03/86

123 ـ ادامه مسأله 44 ـ 06/03/86

تعداد بازدیدکنندگان : ۱۸۲۱



فارسی

العربية

اردو

Azerbaijani

Русский

English

Español

Français